

یادداشت

جهانگیر هدایت

۲۲ سال مسابقه ادبی صادق هدایت

سال ۱۳۸۱، مصادف با صد سالگی تولد صادق هدایت بود و به همین مناسبت در ایران، اروپا، کانادا و امریکا، بزرگداشت‌هایی برگزار شد. نخستین اقدام، چاپ و انتشار کتب صادق هدایت یا مربوط به او بود. انتشار آلبوم عکس‌های هدایت انجام شد. نمایشگاه عکس‌های هدایت در گالری سیحون برگزار شد. در همین ایام مسابقه ادبی داستان کوتاه نویسی صادق هدایت، برنامه‌ریزی شد و اولین دوره این مسابقه انجام شد. در این سال حدود ۵۰۰ نویسنده با ارسال ۶۰۰ داستان به رقابت پرداختند. برای برندگان در مسابقه، تندیس هدایت ساخته شد و تعدادی از آن در دسترس قرار گرفت. ضمناً پوستری هم برای مسابقه ساخته شد. نخستین همایش نقد و بررسی آثار و اندیشه‌های هدایت در دانشگاه صنعت آب و برق در اسفند ماه ۱۳۸۰ بود که برگزار شد. اقدام دیگری که انجام گرفت، طراحی و چاپ سالنمای صادق هدایت برای سال ۱۳۸۱ بود که به ابتکار آقای محمود مصور رحمانی انجام شد. آلبوم از مرز انزوا شامل کارت پستال‌های صادق هدایت توسط نشر چشمه و نشر دید چاپ و منتشر شد. در این آلبوم، ۱۱۰ کارت پستال آمده است. در شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، سالنمای صادق هدایت عرضه شد و با حضور اینجانب، مورد توجه خاص قرار گرفت. در همین نمایشگاه اطلاع‌یافتیم که انیمیشن سه قطره خون تهیه شده است. در پاتوق فرهنگی تهران، نمایش یادمانی در بزرگداشت هدایت با شرکت اینجانب، برگزار شد. بر اثر جستجو بالأخره میز تحریر هدایت را یافتیم که در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگه‌داری می‌شد. پس از دیدن میز، روسای دانشکده ایراد گرفتند که چرا جهانگیر هدایت را راه دادید میز را ببیند. هی هی جَبَلی قَم قَم. کانون نویسندگان ایران، همایشی به مناسبت یکصد سالگی هدایت برگزار کرد که در خرداد ۱۳۸۱ برگزار شد و بسیار مفصل و کارساز بود. در همین سال دفتر صادق هدایت تأسیس شد و حمیدرضا وصاف، هنرمند گرافیکست، آرمی برای دفتر، سر نامه، پاکت دفتر و پوستر مسابقه را تهیه کرد. در موزه رضا عباسی که نگه‌دارنده اقلامی از اموالی است که از هدایت باقی مانده است و با اقداماتی که به عمل آمد، در ۲۹ اسفند ۱۳۸۱ آنچه از هدایت باقی مانده بود، برای عموم به نمایش گذاشته شد. آقای مرتضی خدامیان که هنرمندی خوش نویس است، بوف کور را با خط شکسته روی تابلوهائی نوشت که به نمایش گذاشته شد. محسن برغندان از بوشهر تماس گرفت. مدارکی را برای او فرستادم و ایشان نمایشگاه کتاب و پوستر صادق هدایت را در بوشهر برگزار کرد. در فرهنگسرای انقلاب، همایش نقد بوف کور برگزار شد. درباره چاپ آثار صادق هدایت در فرانسه و آلمان، مصاحبه‌ای داشتم.

نمایشگاه کتاب و پوستر صادق هدایت در مهر ۱۳۸۱ در شهر کتاب در برج آریین در خیابان میرداماد برگزار شد. "سه قطره خون، نقدها و نظرها"، تألیف اینجانب، توسط نشر چشمه، چاپ و منتشر شد. آلبوم نقاشی های صادق هدایت "آهوی تنها" توسط نشر دید چاپ و منتشر شد. نمایشگاه تایپوگرافی بوف کور، در دیماه ۱۳۸۱ برگزار شد. غلامرضا شبانکاره، نمایشگاه عکس صادق هدایت را در برازجان برگزار کرد.

در خارج از ایران، همایش مفصلی زیر نظر دکتر محمد علی کاتوزیان، در دانشگاه آکسفورد، برگزار شد که حضور داشتم و این مهمترین برنامه ای بود که در خارج از ایران به مناسبت یکصد سالگی هدایت برگزار شد. در دانشگاه پورتلند کنفرانسی برگزار شد. در دانشگاه تگزاس در آمریکا نیز همایشی برگزار شد. در فرانسه انجمن فرهنگ ایران مراسمی در گورستان پرلاشر، سر مزار هدایت برگزار کرد.

قرار بود برنامه بزرگداشتی در شهرداری تهران برگزار شود، ابتدا موافقت شد و بعد گفتند تمام هزینه را خودتان باید بدهید و حتی باید چک سفید بدهید. صادق هدایت نه فروشی بود و نه به حراج گذاشته می شد و این برنامه مبتذل، خوشبختانه انجام نشد! در خانه هنرمندان ایران، برنامه ای اجراء شد که ضمناً جوایز مسابقه ادبی هدایت نیز به برندگان اهداء شد.

در دانشگاه شهید رجائی، همایش صد سالگی هدایت برگزار شد که حضور داشتم. دانشگاه شهرکرد درخواست کردند برنامه ای داشته باشند ولی عذر خواستم و برنامه اجراء شد. در ایامی که در انگلستان بودم با بی بی سی با آقای محمود کیانوش، مصاحبه ای داشتم. دنباله این برنامه ها به سال ۱۳۸۲ هم کشیده شدند. حضور در نمایشگاه کتاب ۱۳۸۲ از همین جمله بود. مسابقه طراحی جلد کتاب برگزار شد و جلد کتاب خیام صادق و آلبوم نقاشی های هدایت کار آقای حسین فیلی زاده تشویق نامه مسابقه را دریافت کرد. در دانشگاه امیرکبیر همایش خیام برگزار شد که حضور داشتم و آثار هدایت درباره خیام مورد بررسی قرار گرفت. جوانان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در صدد اجرای برنامه ای برای هدایت برآمدند ولی علیرغم موافقت اولیه، بعداً مخالفت کردند که برنامه اجراء نشد.

بی مناسبت نیست تراژدی عینک شکسته صادق هدایت را بگویم. این عینک نزد من بود. یک عینک سازی در خیابان دولت، داشتیم که صاحبش از دبیرستان البرز مرا می شناخت و اظهار ارادت می کرد ولی عملاً پسرش مغازه را اداره می کرد. عینک شکسته را بردم نزد همین آقا و گفتم از آن صادق هدایت بوده و آن را ترمیم کند. قبول کرد، وعده داد یک ماه دیگر

آماده می شود. سر ماه رفتیم حاضر نبود، سر دو ماه رفتیم حاضر نبود، سر سال رفتیم حاضر نبود و احساس کردم عینک ساز هوس کرده عینک صادق هدایت را بالا بکشد. رفتم کلانتری محل و داستان را گفتم. مأموری را همراه من کردند و رفتیم عینک سازی، او تظاهر می کرد دارد عینک ها را تماشا می کند و من به شاگرد مغازه مرتب می گفتم چرا عینک را نمی دهید، مال صادق هدایت است، یکسال مرا علاف کرده اید، او هم مثل همیشه وعده می داد که حاضر می شود. من از عینک فروشی آدمم توی خیابان و مأمور کلانتری کارت خود را نشان داده و گفتم: «مغازه را تعطیل کن برویم کلانتری تکلیف عینک صادق هدایت روشن شود.» وقتی صاحب عینک فروشی قضیه را شنید قول داد تا عصر عینک حاضر می شود من بروم بگیرم و مأمور کلانتری تعهد گرفت و رفت. عصر رفتم عینک را که تعمیر شده بود طی مراسم با شکوهی به من تحویل دادند و همانا بدانید

که عینک ساز و عینک فروش دزد هم پیدا می‌شود و باید مراقب عینک پر ارزش خود باشید! بالأخره در دانشکده ادبیات دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی همایشی برای صادق هدایت با حضور من برپا شد و دانشجویان به این آرزوی خود رسیدند. در ۲۲ سال گذشته که این مسابقه اجراء شد، ۸۱ نفر برنده بودند که تعداد ۲۶ تن دیس صادق هدایت و ۵۵ لوح افتخار به آنها اهداء شد. اصولاً این مسابقه به علاقه و توجهی که جوانان به صادق هدایت دارند، حرکت جدیدی در گرایش به ادبیات و داستان نویسی در جوان‌ها آفرید که نه تنها در ایران بلکه شامل کشورهای همسایه و ایرانیان مقیم خارج هم می‌شود و ما به این حرکتی که در نویسندگان جوان ایران و کشورهای همسایه به وجود آوردیم، افتخار می‌کنیم.

جهانگیر هدایت